

عبرت

شعله نفرت

مادرم همیشه به برادرم توجه می کرد و انگار نه انگار من هم فرزند او بودم. دختر مورد سوء استفاده قرار گرفته توسط یک پسر می گوید: پدرم آن قدر سر گرم کارش بود که حضورش را حس نمی کردم. مادرم با آن که خودش روزی دختر بود اما هیچ گاه مرا درک نمی کرد. انگار نه انگار که من هم به توجه نیاز دارم. او فقط برادرم را می دید در حالی که من نسبت به او به محبت بیشتری نیاز داشتم. این رفتارهای مادرم باعث شده بود از برادرم متنفر شوم. در خانه اگر برادرم اشتباهی مرتکب می شد مهم نبود اما من مدام باید نصیحت می شدم که مراقب رفتارم باشم چرا که من دختر هستم. گاهی فکر می کردم در خانه مان زندانی هستم.

این شرایط ادامه داشت تا این که به اصرار من، پدرم برایم یک گوشی خرید. پس از آن اوقات تنهایی ام را با گوشی پر می کردم تا این که پسرِی را من تماس گرفت و به من اظهار علاقه کرد. نمی دانم از کجا و چگونه شماره مرا پیدا کرده بود اما برای من مهم نبود. گویی از مدت ها پیش منتظر چنین تماسی بودم تا بتوانم با او شروع به درددل کنم. خیلی زود به آن پسر وابسته شدم و اگر شبی با او صحبت نمی کردم خوابم نمی برد.

پس از مدتی خواست مرا ببیند و من که چشم بسته، دلباخته او شده بودم بدون چون و چرا پذیرفتم. دختر ۱۵ ساله ادامه می دهد: دیدارهای خیابانی ما ادامه پیدا کرد تا این که روزی او با خودرو سراغم آمد و از من خواست که به بیرون از شهر برویم. وقتی به باغی رسیدیم او خواستار برقراری رابطه شد اما من که آمادگی نداشتم امتناع کردم. تا آن روز فکر می کردم او پسرِی آرام و مهربان است ولی ناگهان به من حمله کرد و مرا مورد آزار و اذیت قرار داد.

سر شب با اوضاع به هم ریخته به خانه برگشتم اما حتی آن روز هم مادرم به من توجهی نکرد. آن پسر دیگر به تماس هایم پاسخ نداد و حال من هر روز بدتر از قبل شد طوری که سر هر موضوعی دعوا راه می انداختم اما باز هم کسی به من توجه نمی کرد.

نفرت هر روز بیشتر در من شعله می کشید تا این که تصمیم گرفتم سراغ مشاور بروم.

خبر

محکومیت یک جاعل

صدیقی - شخصی که برای دریافت پایان کار شهرداری اقدام به جعل تاییدیه ایمنی و کیفیت آسانسور کرده بود از سوی دادگاه به پرداخت ۳۶ میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم شد.

مدیرکل استاندارد خراسان شمالی با اعلام این خبر افزود: مالکان و مدیران ساختمان ها باید پیش از اتمام اعتبار تاییدیه ایمنی و کیفیت آسانسور، برای انجام بازرسی ادواری و تمدید اعتبار تاییدیه استاندارد به این اداره کل مراجعه کنند.

ماجرای مردی که کودکش را به یک خانواده دیگر سپرد

راز ۱۸ ساله

صدیقی

چشم انتظار تحقق رویای زندگی اش است و سال هاست که یک راز، قلبش را می فشارد. حفظ رازی که به اندازه ۱۸ سال به درازا کشید اما به گفته خودش دیگر تحمل دوری از جگر گوشه اش را ندارد. گیج و منگ شده و در دوراهی سرنوشت سازی قرار گرفته است، نه توان دل کندن از دلبندش را دارد و نه جرئت رو به رو شدن با حقیقت زندگی اش را. سال ها پیش دخترش را به یک خانواده دیگر سپرد تا به گمان خودش او در رفاه باشد و نبود مهر مادری را با خود یک نکشد.

مرد سالخورده که گرد پیری بر موهایش نشست است از رازی می گوید که خود مسبب آن بوده است. او با چشمانی پر از غم و افسوس و بارانی می گوید: همه چیز از یک شب زمستانی سرد آغاز شد و همسرم مرا با تنها دخترمان که هنوز چند ماه از تولدش نگذشته بود، تنها گذاشت. او چشم اش را بر این دنیای بی رحم بست و با فوتش داغ بزرگی بر دل من گذاشت.

بعد از فوت همسرم مستأصل شده بودم که چطور با یک طفل شیر خوار رفتار کنم و کسی را هم در اطرافم نداشتم که از او کمک بگیرم. تر و خشک کردن یادگار همسرم تمام وقتم را گرفته بود و نمی توانستم به کار بیرون برسم. مدتی به این منوال گذشت، در تنگنا قرار گرفته بودم و نه می توانستم دختر خردسالم را در خانه تنها بگذارم و نه با او سر کار حاضر شوم. زندگی ام تقریباً در بن بست قرار گرفته بود تا این که روزی پیشنهادی به من شد.

یک فرد غریبه نزد من آمد و گفت که دوردور از حال و روزم خبر دارد و برای این که از این مشکل خلاص شوم و از طرفی آینده دخترم هم تضمین شود و به خطر نیفتد او را به خانواده آبرومندی که سال هاست بچه دار نمی شوند

سریال ادامه دار مرگ در چادرهای مسافرتی

فوت زن ۶۰ ساله در چادر مسافرتی

جانشین فرمانده انتظامی شبیروان از فوت زن ۶۰ ساله بر اثر گاز گرفتگی در چادر مسافرتی در این شهرستان خبر داد.سرهنگ «رضا قندی» در تشریح

این خبر گفت: در پی تماس شهروندی

با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر گازگرفتگی فردی در چادر مسافرتی، بلافاصله ماموران پاسگاه زیارت به محل

واگذار گنم تا هم مشکل خودم حل شود و هم زندگی آن زوج از هم نباشد. اول با شنیدن حرف های مرد غریبه به شدت ناراحت شدم و پیشنهادش را رد کردم اما او دست بردار نبود و بعد از مدتی هر بار زمانی که در محصه ای گیر می افتادم سراغم می آمد و دوباره پیشنهادش را مطرح می کرد.

بالاخره بعد از مدت ها کلنجار رفتن با این ماجرا با گرفتن تضمین لازم با پیشنهاد مرد غریبه موافقت کردم و حاضر شدم جگر گوشه ام را به خانواده ای که دلشان برای داشتن بچه پر می زد و در نزدیکی محل سکونتم زندگی می کردند بسپارم و پیش فامیل هم گفتم دخترم فوت کرده است.

اوایل بعد از سپردن دخترم قرار شد هر بار از طریق تلفن حالش را جویا شوم و بعد از این که موقع مدرسه رفتن اش رسید از نزدیک طوری که مرا نشاند او را ملاقات کنم. موقع مدرسه رفتن دخترم شد و خواستم طیق قول و قرارهای مان از نزدیک دخترم را ببینم اما خانواده قیم دخترم هر بار به بهانه های واهی که شاید ماجرا لو برود و از نظر روحی و روانی روی دخترم تاثیر بگذارد از ملاقاتم جلوگیری می کردند و بعضی از اوقات هم او را از من پنهان و دست به سرم می کردند.

این دوری از جگر گوشه ام بدجور عذاب می داد و در منگنه قرار گرفته بودم و نمی دانستم چه راهی را در پیش بگیرم؟ یا خودم می گفتم بعد از مواجه شدن با دخترم چه جوابی دارم به او بدهم و برای همین ترس داشتم که بی گذار به آب بزنم و نه تنها کمکی به او نکنم بلکه زندگی اش را هم مختل کنم و او را در دوراهی که قرار گرفته بودم، بگذارم. خانواده ای که سرپرستی دخترم را بر عهده گرفته بودند از من می خواستند تا زمان ازدواج دخترم صبر کنم و بعد از آن ماجرا را برای همسر دخترم

حادثة اعزام شدند. این مقام انتظامی

افزود: با حضور ماموران در محل حادثه مشخص شد که زن ۶۰ ساله ای در حالی که روی شکم افتاده به علت گازگرفتگی

فوت کرده است.

وی با اشاره به این که این مادر ۶۰ساله به

همراه فرزندش به مدت چند روز در حاشیه

جاده نخاله های چغندر را جمع آوری



تعریف خواهند کرد تا آن ها با هم به دیدار من بیایند.

آرام و قرار نداشتم و دیگر نمی توانستم این راز را که بیش از ۱۸ سال به درازا کشیده بود در دلم نگه دارم و دخترم را فقط از طریق عکس ببینم و از دیدنش محروم باشم. چند مرتبه جلوی خانه قیم دخترم رفتم تا جگر گوشه ام را ببینم اما موفق نشدم چون آن ها می گفتند دخترم دانشجوی شده و در یک شهر غریب مشغول تحصیل است و به خاطر به هم نخوردن زندگی دو خانواده و همچنین آرامش دخترمان از کار شتاب زده برهیز و مدتی دیگر صبر کنم تا زمان پایان این فراق چندین ساله برسد.

حالا عذاب وجدان یک لحظه مرا رها نمی کند و بین دوراهی مانده ام که با توسل به قانون به دخترم برسم یا این که صبر کنم تا دخترم از طریق قیم اش از موضوع باخبر شود و خودش مسیر زندگی اش را انتخاب کند و به این فراق کشنده پایان دهد.

می کردند، خاطرنشان کرد: در بررسی صحنه توسط ماموران و کارشناسان اعلام شد این زن در چادر مسافرتی که توسط پلاستیک پوشیده شده بود پیک نیک روشن و استراحت می کرده است. طی ۴ ماه گذشته این چهارمین فردی است که در استان بر اثر گاز گرفتگی در چادر مسافرتی جانش را از دست می دهد.

آگهی مزایده نوبت اول

در مورد پرونده اجرائی کلاسه فوق الذکر ش ۱ اجرای احکام مدنی بجنورد و به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۵۸۴۰۷۰۰۳۰۹ صادره از شعبه هفتم حقوقی بجنورد، فیما بین محکوم له مهدی گریوانی و محکوم علیه احیاء، هادی، موسی، فاطمه نساء، زینب و وحید، عیسی و جواد همگی شهرت گریوانی و آمنه براتی که محکوم علیهیم محکوم به فروش ماترک مرحوم رضا گریوانی و پرداخت هزینه های دادرسی و کارشناسی بابت اصل خواسته که با عنایت به انجام کارشناسی اموال منقول و غیرمنقول به مشخصات ذیل الذکر: مشخصات زمین های کشاورزی و باغ و ملک مسکونی روستایی واقع در روستای گریوان: الف) یک قطعه باغ واقع در روستای گریوان به آدرس قطعه ۲ باغ مرجان دره به مساحت ۶۵۰ مترمربع دارای حق آبه از مدار ۱۸ روز سرچشمه گریوان دارای اشجار گردو (۲۰۰ الی ۳۰۰ ساله) سیب و گلابی، گیلاس و آلبالو و زردالو (۵ الی ۶ ساله) و سپیدار (۳۰ساله) می باشد که مربوط به وراث مرحوم رضا گریوانی می باشد و امور کشاورزی توسط احیاء گریوانی انجام می گردد که قیمت باغ مذکور توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۳۴۱/۷۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. ب) قطعه ۲- زمین آبی اسدبی به مساحت ۱۲۹۵ مترمربع است و به صورت زمین مزروعی و در یک آیش از سرچشمه گریوان یک ساعت و دوازده دقیقه آب دارد و اخیراً توسط احیاء گریوانی جو کشت گردیده است و مربوط به مالکیت وراث مرحوم رضا گریوانی می باشد که هر مترمربع توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ هر متر ۱۰۰/۰۰۰ ریال و قیمت کل ملک به مبلغ ۱۲۹/۵۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی می گردد. ب) قطعه ۳- زمین آبی کلاته (قطعه بزرگ) به مساحت ۳۱۳۰ مترمربع و دارای حق آبه از مدار ۱۵ روز از سرچشمه کلاته بوده اما دارای دبی آب بسیار کم می باشد به طوری که آب زراعی زمین فوق را تأمین نمی نماید و هر مترمربع توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۳۰/۰۰۰ ریال و قیمت کل زمین به مبلغ ۹۳/۹۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. ت) قطعه ۴- زمین زراعی کوچک کلاته به متراژ ۵۷۵ مترمربع که فاقد حق آبه و به صورت بایر و دارای شیب زراعی بیش از ده درصد بوده و فعلاً فاقد متصرف می باشد که هر مترمربع توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۱۰/۰۰۰ ریال و کل زمین به مبلغ ۵/۷۵۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. د) قطعه ۵- زمین دیم دمانه به مساحت ۶۵۶۰ مترمربع و دارای شیب زراعی شمالی حدود پنج درصد و به صورت آیش می باشد که هر مترمربع توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۷/۰۰۰ ریال و کل زمین به مبلغ ۴۵/۹۲۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است. د) ۶- یک باب منزل مسکونی مرحوم عیسی گریوانی که با توجه به وضعیت تقسیم حیاط بین وراث مرحوم عیسی گریوانی سهم الارث مرحوم رضا گریوانی به میزان ۵۴/۷۳ مترمربع از زمین حیاط مسکونی می باشد که هر مترمربع به میزان ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال و کل ملک به مبلغ ۶۵/۶۷۲/۷۲۷ ریال ارزیابی گردیده است.***** کل ارزش اراضی ماترک مرحوم رضا گریوانی که در طبیعت معرفی گردید به مبلغ ۶۸۲/۴۴۲/۷۲۷ ریال میباشد ***** مشخصات ملک مسکونی واقع در شهرستان بجنورد: ملک مورد نظر واقع در شهرستان بجنورد انتهای خیابان حر- روبروی پارک جنگلی - پلاک ۷۸ منزل مسکونی قولنامه ای ورئه ای بوده و به مساحت عرصه ۱۷۳/۷۶ مترمربع می باشد و منزل مسکونی نسبتاً کلنگی (قابل سکونت) درهمکف با سقف آهنی و ضری به مساحت ۹۱ مترمربع می باشد و دارای انباری و سرویس بهداشتی و سقف آهنی به مساحت ۱۰/۷۳ مترمربع می باشد و آشپزخانه و حمام و انباری با سقف آهنی و چوبی به مساحت ۳۲/۸۰ مترمربع و دارای امتیازات کامل آب و برق و گاز و تلفن می باشد و ارزش کل ملک توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است.***** مشخصات اموال منقول مورد مزایده که توسط کارشناس رسمی دادگستری بازدید و ارزیابی گردیده است: ۱-۳۴ ماشینی دو تخته به ارزش هر یک به مبلغ ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال و جمعاً ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۲-قالی ۳*۳ ماشینی سه تخته (کارکرد ۱۳سال) به ارزش هر یک ۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال و جمعاً ۳/۷۵۰/۰۰۰ ریال ۳- یخچال مارک هیمالیا حدوداً ۱۲ سال کارکرد به ارزش ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۴- جاروبربی پاناسونیک ده سال کارکرد ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۵- خط موبایل به شماره ۰۹۱۰۵۱۲۰۶۷۸ به ارزش ۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال ۶-آبگرمکن مارک بوتان به ارزش ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۷-رختخواب و ظروف و غیره... به ارزش ۳/۲۰۰/۰۰۰ ریال ۸-فرغون دو عدد به مبلغ ۱/۶۰۰/۰۰۰ ریال ۹-تخته زیرپایی ۴ متری ۹ عدد به ارزش ۲/۲۰۰/۰۰۰ ریال ۱۰-دستگاه بالابر بنایی به ارزش ۱۳۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۱-تیرآهن نمره ۱۶ چهار عدد به ارزش ۱۶۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۲-لوله داربستی نمره ۵ سه عدد به طول ۶ متر هر شاخه به ارزش ۴۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً ۱۳۰۰۰/۰۰۰ ریالفرزسنگ بری و کاشی بر هر کدام یک عدد و شمشه بنایی به ارزش ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۴-موتورسیکلت ۱۵۰ سی سی مارک اصلان مدل ۸۷ یک دستگاه به ارزش ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۵- فیش حج عمره سال ۹۰ به مبلغ واریزی ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سود تا پایان ماه ۹۷ به مبلغ ۱۴/۸۰۰/۰۰۰ ریال می باشد. ***** لذا جمع کل موارد ۱۵ قلم ذکر شده به مبلغ کل ۱۰۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.***** و اینکه پس از سیر مراحل قانونی مقرر گردیده اموال منقول و غیرمنقول ذکر شده طبق موارد مندرج در آگهی در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ رأس ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۲:۰۰ و از طریق مزایده حضوری در محل اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد به فروش برسد.بنابراین متقاضیان شرکت در جلسه مزایده می توانند پنج روز قبل از شروع مزایده در این اجرا حاضر و از کم و کیف موضوع مطلع و در صورت تمایل از مورد مزایده بازدید نمایند. بدیهی است مزایده از قیمت کارشناسی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد و ده درصد مبلغ کارشناسی قبل از شروع مزایده اخذ و مابقی مبلغ نیز ظرف یک ماه وصول خواهد شد و در صورت عدم پرداخت الباقی (نود درصد) در مهلت مقرر، مبلغ تدوینی پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد.

دادورز شعبه اول اجرای مدنی دادگستری بجنورد- رضا شیرازی

۲۲۲م/الف

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

یادداشت

نامه یک پزشک به استاندار

میز مدیران را

کنار جاده مرگ بگذارید...

روزی نیست که تصادفی در جاده بجنورد- چمن بید رخ ندهد، چندین بیمار تصادفی را به بیمارستان آشفانه نیاوردند و سردرخانه اش جسدی را نبیند. در پس هر تصادف، خانواده ای بی سرپرست، بانوی محترمی بیوه و کودکی یتیم و خانه ای ویران می شود.

من هر روز گریه و شیون این خانواده ها را در بیمارستان پورسینا می بینم که به خاطر راه های نامناسب و غیراستاندارد است. در این روزهای ناگوار، جان، مال و آرامش مردم، همه به کشانک و مهمانک، دوراهی پیش قلعه و راز به پیچ و جاده های مرگ مشهور شده اند اما در پس این همه تصادف مسئولان راه های استان کجا هستند و چه برنامه ای دارند؟یک روز چپ جاده را آسفالت می کنند (ببینید آسفالت بی کیفیت و بی نظارت را)، روز بعد سمت راست را تیغ می زنند و رهگذران در عجب اند که این جا چه خبر است! این جا هر روز خانواده ای داغدار و کودکی یتیم می شود اما متولیان امر چه می کنند و چه پاسخی دارند؟!

مسئولان محترم راهداری اگر از روی صندلی خود بلند شوند و از پنجره اتاق خود، بیرون را نگاه کنند جاده ارکان و بیمارستان امام حسن(ع) را در چند قدمی خود می بینند و مشاهده می کنند که پزشکان و پرستاران با چه ترس و خطری در نیمه های شب باید بارها این مسیر تاریک و ویران را بروند یا مهم تر از آن، بیماران با چه وحشتی از آن گذرند تا به بیمارستان برسند (همین دیروز پسر یکی از بیمارانم در اثر تصادف پای خود را از دست داد و پدر به اجبار ترخیص شد.) و حتماً می بینند در جاده ای که هنوز آسفالت آن سرد نشده است موج های جاده چه می کنند و خط کشی آن با هیچ استاندارد ی سازگار نیست؛ «مسیر با دولاین به صورت ناگهانی یک لاین می شود» و هنوز بهره برداری نشده با ده ها ماشین خاک در چندین جا مسیر را می بندند. سوال همه رهگذران و بیماران این است:این جا چه خبر است؟! مسئولی که خود در جلسه رسمی اقرار می کند «هنر من دور زدن با معاون وزیر و استاندار است» با چنین هنری آستین همت بالا بزند و در جاده های استان هم دوری برند شاید یک خانواده کمتر داغدار و لاقال خط کشی جاده ها درست انجام شود. نقل است، استاندار محترم فرموده اند اگر روستایی برق نداشته باشد فرماندار با خانواده اش باید آن جا زندگی کنند.

اگر پرسنل یک اداره حقوق معوقه داشته باشند حقوق رئیس آن اداره را قسط می کنند؛ قطعاً با چنین تفکر والایی برای چنین مشکلاتی هم تصمیم خواهند گرفت.

شاید لازم شد میز و اتاق چنین مسئولانی در کنار جاده های مرگ قرار گیرد تا شاید با دیدن صحنه دلخراش تصادف، تلاشی بیشتر برای جاده استان کنند. «جهت پیشرفت راه های استان مدیریت آن نیاز به بازنگری جدی و اساسی دارد».

حسن برابادی
رئیس بیمارستان پورسینای آشفانه
پزشک متخصص داخلی بیمارستان امام حسن(ع) بجنورد